

## تشیع دولت عیونی بحرین بر پایه برخی شواهد تمدنی

مهدی سلیمانی آشتیانی\*

محمدهادی خالقی\*\*

### چکیده

مذهب دولت عیونی بحرین، بر اساس داده‌های تمدنی و به روش صرفاً «تاریخی» مسئله این پژوهش است؛ چیزی که محل اختلاف تاریخ‌نگاران معاصر است. در نیمه اول سده پنجم هجری، با ضعیف شدن قرامطه، قبیله عبدالقیس توانست حکومت عیونیان (۶۴۷ - ۴۶۹ ق) را به‌عنوان یک حکومت مستقل بومی شیعی، با حمایت نظام قدرتمند قبیله‌ای و بهره‌گیری از کمک دولت‌های عباسی و سلجوقی در ناحیه بحرین قدیم (تاریخی) تشکیل دهد. برخی شواهد تمدنی همچون: نام‌گذاری‌ها، کتیبه مناره مسجد جامع الخمیس، سکه‌های به‌جای‌مانده از عهد عیونی با نگاشته‌های صریح شیعی و وجود شاعری شیعی در دربار آنها - که قصاید اهدایی و مناسبتی فراوانی از او برجاست - از شواهد و ادله تشیع رسمی دولت عیونی است.

### واژگان کلیدی

تاریخ تشیع، بحرین تاریخی، دولت عیونی، قبیله عبدالقیس.

### طرح مسئله

با ضعف دولت آل بویه در اواخر سده چهارم و روی کار آمدن سلجوقیان در نیمه نخست سده پنجم هجری قمری، حاکمان سواحل جنوبی خلیج فارس که دوران ضعف و افول خود را سپری می کردند، تحت حاکمیت سلجوقیان ترک نژاد کرمان درآمدند. عیونیان (آل ابراهیم عیونی) که شاخه‌ای از قبیله عبد القیس بودند به مقابله با حاکمان قرمطی این منطقه برخاستند. عبدالله عیونی در این راه با کمک پادشاه سلجوقی، سلطان ملکشاه (۴۸۵ ق) و خلیفه عباسی، القائم بامرالله، در سال ۴۶۹ با شکست یحیی بن عیاش قرمطی به قدرت رسید. پس از آن، روزبه‌روز بر قدرت و وسعت قلمرو دولت عیونی افزوده شد.<sup>۱</sup>

تحقیقی که به تاریخ شبه‌جزیره عربستان یا تاریخ بحرین (اعم از کویت و بحرین و قطر و امارات متحده عربی و مناطق شیعه‌نشین شمال و شرق عربستان) مربوط باشد، بدون شناخت تاریخ دولت عیونی و عقاید دولتمردان آن کامل نخواهد بود. به‌علاوه، تاریخ دولت‌های اسلامی، تاریخ دولت‌های شیعی و تاریخ دولت‌های امامی در جهان، بدون تحقیق در تاریخ دولت عیونی ناقص و ناتمام است و مطالعات مستشرقان در این زمینه نیز حلقه مفقوده‌ای دارد که همان تاریخ دولت عیونی است.

دولت عیونی به‌عنوان یک دولت شیعی کمتر شناخته شده، حائز اهمیت بررسی و پژوهش است و هیچ تحقیق فارسی در این موضوع وجود ندارد و مستشرقان نیز توجه ویژه‌ای به آن نشان نداده‌اند. در زبان فارسی کتاب یا مقاله‌ای که به‌صورت مستقیم به تشیع عیونیان بپردازد، یافت نشد، اگرچه از همان روزگاران کهن، به‌صورت پراکنده و بسیار مختصر، به عیونی‌ها اشارتی رفته است.

از معاصرین نیز استاد عباس اقبال آشتیانی (م ۱۳۳۴) در *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*<sup>۲</sup>؛ استاد محمد محیط طباطبایی (م ۱۳۷۱) در مقاله *سرزمین بحرین*<sup>۳</sup>؛ دکتر رضا رضازاده لنگرودی در *جنبش قرامطه بحرین*<sup>۴</sup> اشاراتی به عیونیان کرده‌اند. دکتر رسول جعفریان نیز در *اطلس شیعه*<sup>۵</sup>، در کمتر از یک صفحه، اما راهگشا و مستند، اشاره‌هایی به تاریخ عیونیان و تشیع آنها و روابط حاکمان کیش با آنها داشته است.

۱. درباره این دولت و تاریخچه و تشکیلات آن. (ر. ک: المدیرس، *الدوله العیونیه فی البحرین*)

۲. اقبال آشتیانی، *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۴.

۳. طباطبایی، محمد محیط، «سرزمین بحرین»، *مجموعه مقالات خلیج فارس*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ص ۲۶۵، چ ۱، ۱۳۶۹.

۴. رضازاده لنگرودی، رضا، «جنبش قرامطه بحرین»، *تحقیقات اسلامی*، سال یازدهم، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵.

۵. جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، اول، ۱۳۸۷.

در حوزه عرب زبان نیز چند کتاب و پژوهش مستقل از نویسندگان سعودی، بحرانی و مصری و ... به صورت مستقیم به پژوهش در مورد حکومت عیونی اختصاص داشته است که البته از دقت یکسانی برخوردار نیستند که مهم‌ترین آنها *الدولة العیونیه فی البحرین*<sup>۱</sup> است.

این کتاب از منابع مهم و تأثیرگذار در نوشته‌های بعد از خود است و بسیاری از کسانی که در مورد عیونیان کتاب یا مقاله نوشته‌اند از این کتاب استفاده کرده و تأثیر گرفته‌اند. مؤلف کتاب معتقد است مذهب رسمی دولت عیونی، تشیع نبوده است که در این باره باید گفت: اولاً مؤلف به هر دلیلی، دامنه منابع را محدود گرفته است و ثانیاً بخش مهمی از منابع منتشر شده پس از ۱۴۰۴ ق، یعنی سال تألیف کتاب (مثل *شرح دیوان ابن المقرّب* و از آن مهم‌تر: *تقود الدولة العیونیه فی البحرین*) نقشی در کتاب وی نداشته‌اند و ثالثاً به عمد یا به سهو، نشانه‌های مذهبی در دولت عیونی را مورد پژوهش جدی قرار نداده و یا بر خلاف منطق پژوهش، آنها را انکار یا تضعیف کرده است.

کتاب دیگر، *آل ابراهیم العیونیین فی بلاد البحرین*، محمد محمود خلیل، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، ۲۰۰۷ م. است که مؤلف آن معتقد به تشیع دولت عیونی است.

نویسندگان این مقاله اگرچه با محمد محمود خلیل در مورد مذهب عیونیان هم عقیده‌اند؛ ولی در مستندات و نیز نوع استدلال و پژوهش به راه دیگری رفته‌اند همچنین سعی کرده‌اند دلایل و قرائن بیشتر و مستحکم‌تری را برای این نظریه گرد آورند.

*تقود الدولة العیونیه فی بلاد البحرین*، نایف بن عبد الله الشرعان، مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م. دیگر کتاب مهم در این حوزه است.

این کتاب یک پژوهش عالمانه در مورد بیش از پنجاه سکه به‌جای مانده از دولت عیونی است که در آن، تصاویر پنجاه سکه مکشوفه دولت عیونی بحرین به چاپ رسیده است؛ تصاویری که می‌توانند به صورت شفاف، تشیع دولت عیونی را نشان دهند. چاپ چنین کتابی را از سوی مرکز سعودی ملک فیصل ریاض، باید یک کار ارزشمند تاریخی، آزاد اندیشانه و بی‌طرفانه دانست؛ چراکه می‌دانیم بسیاری از پژوهشگران سعودی، سعی در انکار تشیع دولت عیونی و بلکه سابقه تشیع اصیل در بحرین تاریخی دارند.

## بحرین تاریخی

از پیش از اسلام تا حدود قرن هفتم هجری، به همه سرزمین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس، در حدّ

۱. المدیرس، عبدالرحمن بن مدیرس، *الدولة العیونیه فی البحرین*، الریاض، دارالملک عبدالعزیز، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.

فاصل دو منطقه بصره و عُمان، «بحرین» اطلاق می شده است.<sup>۱</sup> لذا بحرین قدیم یا ناحیه قدیمی بحرین شامل: کویت، قطیف، احساء، قطر، امارات و نیز مجمع الجزایر بحرین کنونی می شود. هَجْر<sup>۲</sup> از مهم ترین مناطق تاریخی بحرین در ناحیه احساء است. بلاذری، سیبخت گماشته ساسانیان در بحرین را «مرزبان هجر» نامیده است.<sup>۳</sup> این سرزمین، مدت ها مرکز بحرین بوده است<sup>۴</sup> و گاهی به همه این منطقه نیز، هجر اطلاق می شده است.<sup>۵</sup> ابن حوقل از آن به عنوان بزرگترین شهر بحرین یاد کرده است.<sup>۶</sup>

دیگر منطقه و شهر مهم بحرین، احساء است. احساء جمع جسی است و آن زمین همواری را گویند که آبگیرهایی دارد و یا زمینی است که از شن پوشیده باشد و آب در لایه های زیرین آن جمع شده باشد.<sup>۷</sup> و از همین ماده است حدیث: «أنهم شربوا من ماء الاحسی». ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق) از این منطقه با نام «لحسا» یاد کرده است.<sup>۹</sup> ابن فضل الله عمری (م ۷۴۹ ق)،<sup>۱۰</sup> ابن بطوطه (م ۷۷۹ ق)<sup>۱۱</sup> و عبدالقادر دمشقی (م ۹۷۸ ق)،<sup>۱۲</sup> آنجا را «الحسا» گفته اند.

۱. خلیل بن أحمد، کتاب العین، ج ۳، ص ۲۲۰؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۵، ص ۴۰؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۵۸۵.
۲. لغت دانان و جغرافی دانان نام این منطقه را به فتح اول و دوم نوشته اند و نباید با هَجْر که به سکون دوم و نام منطقه دیگری است، اشتباه کرد. (ر. ک: یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۳؛ بغدادی، مرآة الاطلاع، ج ۳، ص ۱۴۵۳؛ ابن سباهی زاده، اوضح المسالك، ص ۶۴۲). هَجْر، معرب هجر است و بدون الف و لام استعمال شده است و نسبت به این شهر نیز براساس قیاس هَجْری گفته اند و بر خلاف قیاس، هاجری نیز گفته می شود.
۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۸۵.
۴. یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۳؛ قزوینی، آثار البلاد، ص ۳۳۷؛ بغدادی، مرآة الاطلاع، ج ۳، ص ۱۴۵۲.
۵. یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۳؛ بغدادی، مرآة الاطلاع، ج ۳، ص ۱۴۵۲؛ مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۷۱؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۸۵۲ مؤلف کتاب البحرین فی صدر الإسلام، این قول را به برخی منابع کهن نیز نسبت داده است، که آنها را نیافتیم.
۶. ابن حوقل، صورة الارض، ج ۱، ص ۳۱.
۷. جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۱۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۳۷؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۳۲۵؛ یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۱۱؛ سوبدی بغدادی، النضحة المسکبه، ص ۲۹۳ - ۲۹۲.
۸. زمخشری، الفائق، ج ۲، ص ۳۴۲؛ ابن اثیر، النهاية، ج ۱، ص ۳۸۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۷۸.
۹. ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۴۹. البته در برخی نسخه های خطی سفرنامه ناصر خسرو عنوان «لحسا» آمده است. استاد دبیر سیاقی در تصحیح سفرنامه، عبارات این نسخه را در پاورقی تذکر داده اند. (ر. ک: ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۴۰، ۱۴۵ و ۱۴۷).
۱۰. عمری، مسالك الابصار، ج ۴، ص ۳۵۳.
۱۱. ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، ج ۲، ص ۱۵۳. دانسته نشد چرا مترجم دانشمند رحلة ابن بطوطه به پارسی، کلمه «الحسا» در متن ابن بطوطه را، گاهی «لحسا» و گاهی «الحسا» آورده اند. (ر. ک: ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۴۱، ۵۱۷ و ۵۲۵).
۱۲. نعیمی دمشقی، المدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱، ص ۲۷.

قَطِيف یا قَطِيف<sup>۱</sup> شهری در ساحل خلیج فارس در شمال شرقی احساء و از مناطق مشهور بحرین قدیم<sup>۲</sup> و از آبادی‌های قبیله عبد قیس و دارای نخلستان‌های زیاد بوده است.<sup>۳</sup> ازهری آن را از قراء منطقه خَط می‌داند<sup>۴</sup> و بکری، قَطِيف را در کنار هجر، یکی از دو شهر مهم و اصلی بحرین دانسته است.<sup>۵</sup> اُوال یا اُوال، جزیره‌ای در بحرین بین یمامه، بصره و عُمان<sup>۶</sup> از دیگر مناطق با اهمیت در بحرین و سرزمین مادر کشور بحرین امروزی است.

محدوده جغرافیایی حکومت عیونیان نیز در واقع همان بحرین تاریخی است. درباره مرزهای بحرین تاریخی گفته شده که بحرین، از سمت مغرب به سرزمین یمامه<sup>۷</sup> و از سمت شمال به بصره و از جنوب به عمان می‌رسد<sup>۸</sup> و در حقیقت، میان بحر الماء و بحر الرَّمْل، واقع است.<sup>۹</sup> البته مراکز اصلی حکومت عیونی، شهرهای احساء، قَطِيف و اوال است.<sup>۱۰</sup>

بدین ترتیب دولت عیونی همسایه عراق و خلافت عباسی و همچنین همسایه عمان و حکومت مستقل آن بوده است و منطقه ربع الخالی و نجد، بین دولت عیونی و حاکمان مستقل یمن فاصله بوده اند. از طرف دیگر، شریفان حاکم بر حجاز در مکه و مدینه و از سوی شام هم حاکمان بنی‌ربیعیه شام با عیونیان همسایه بودند.<sup>۱۱</sup>

قبیله عبدالقیس، از مهم‌ترین قبایل عرب عدنانی و از شاخه ربیعیه بن نزار هستند. نیای بزرگ آنها عبد القیس بن افضی بن دعمی بن جَدِیلَه بن اسد بن ربیعیه بن نزار است. این قبیله ابتدا در تهامه ساکن بوده‌اند و قرن‌ها قبل از اسلام از تهامه به بحرین وارد شده‌اند.<sup>۱۲</sup> جارود بن معلی عبدی که از

۱. ابن بطوطه، *رحلة ابن بطوطه*، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۳۷۸؛ بکری، *معجم ما استعجم*، ج ۳، ص ۱۰۸۴.

۳. بغدادی، *مراصد الاطلاع*، ج ۳، ص ۱۱۱۰؛ یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۳۷۸.

۴. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۹، ص ۲۸۷.

۵. بکری، *معجم ما استعجم*، ج ۳، ص ۱۰۸۴.

۶. مؤلف ناشناخته، *حدود العالم*، ص ۱۳۱؛ جمیری، *الروض المعطار*، ص ۶۳؛ بغدادی، *مراصد الاطلاع*، ج ۱، ص ۱۲۸؛

یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۲۷۴؛ بکری، *معجم ما استعجم*، ج ۱، ص ۲۰۸.

۷. ابن رُسته، *الأعلاق النفیسة*، ص ۲۱۳؛ یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۵۰۷.

۸. جمیری، *الروض المعطار*، ص ۸۲؛ بکری، *المسالك و الممالک*، ج ۱، ص ۳۷۰.

۹. فرچانلو، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، ج ۱، ص ۲۳۳.

۱۰. ابن المقرب، *دیوان ابن المقرب*، ص ۲۴۲.

۱۱. برای نقشه سیاسی دولت عیونی و همچنین دولت‌های همسایه. (ر. ک: پیوست، شماره‌های ۱ تا ۵)

۱۲. اصطخری، *المسالك و الممالک*، ص ۲۳؛ یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۳۴۷؛ الشیخ مبارک، *قبیله عبد القیس*،

ص ۲۶ - ۱۹. (نقل از: *الشخص، أعلام هجر*، ج ۲، ص ۴۹)

بزرگان وفد بحرین (وارد شده بر پیامبر ﷺ) بوده، از این قبیله است.<sup>۱</sup> مثقب عبدی، ثعلبه بن عمرو عبدی، ممزق عبدی، یزید بن حدّاق عبدی و عمرو بن دراک عبدی از معروف‌ترین شاعران و ادیبان ابن‌قبیله هستند.<sup>۲</sup> مسعودی، بحیرای راهب را نیز از مسیحیان عبدالقیس دانسته است.<sup>۳</sup> گسترش و قدرت و سیطره عبدالقیس در بحرین تا جایی بوده است که بحرین را «بلاد عبد القیس» گفته‌اند.<sup>۴</sup> عیونیان (آل ابراهیم) از قبیله عبدالقیس<sup>۵</sup> و عبدالقیس نیز به ربیعی (ربیعی) منسوب به ربیعه بن معد مشهور هستند.<sup>۶</sup>

عیونیان بیشتر بدوی بوده‌اند - خصوصاً قبل از حکومت عیونی - ولی بعد از قدرت یافتن به شهرنشینی گرایش پیدا کردند و ابتدا در «عیون» در نزدیکی احساء سکونت کردند و به تدریج به احساء، قطیف، اوال و دیگر مناطق شهری روی آوردند.

### تأسیس دولت عیونی

بعد از ضعف دولت قرامطه و اختلاف میان سران آنها و همچنین مسلط شدن ابو بهلول عوام بن یوسف زجاج بر جزیره اوال و خارج شدن این منطقه از سیطره دولت قرامطه در سال ۴۵۸ ق حرکت عبدالله بن علی عیونی (مؤسس دولت عیونی) شروع شده است.

شاید به‌طور دقیق نتوان تاریخ حرکت عبدالله عیونی را تعیین نمود، ولی چنان که شارح دیوان ابن‌المقرب در قرن هفتم<sup>۷</sup> نوشته است او به مدت هفت سال شب و روز به جنگ و گریز و تلاش علیه قرامطه مشغول بود تا آنها را ساقط کرد.<sup>۸</sup> با این گزارش و از آنجا که می‌دانیم سقوط قرامطه حدود سال ۴۶۹ ق بوده است، باید شروع جنگ‌های عبدالله عیونی را حدود سال ۴۶۲ ق بدانیم. در این سال‌ها جزیره اوال و عُقَیر<sup>۹</sup> به‌دست آل ابوبهلول بود<sup>۱۰</sup> و قطیف نیز به‌دست یحیی بن عیاش

۱. سمعانی، *الانساب*، ج ۴، ص ۱۳۵.

۲. بابتی، *معجم الشعراء الجاهلیین*، ص ۶۹.

۳. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۸۹.

۴. ابن‌قتیبه، *المعارف*، ص ۹۳؛ یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۱۳۴.

۵. الحلّو، *دیوان ابن‌المقرب*، ص ۲۹.

۶. همان، ص ۴۶.

۷. این، تاریخی است که عبدالخالق الجنبی، محقق شرح دیوان ابن‌المقرب، بر پایه شواهد متنی، بر این شرح گزارده است. (ر. ک: الجنبی، شرح، ج ۷ ص ۵۶۹)

۸. ابن‌المقرب، *دیوان ابن‌المقرب*، مخطوط، نقل از: المدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۸۵.

۹. بندرگاهی در نزدیکی احساء. (یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۱۳۸)

۱۰. سبط ابن جوزی، *مرآة الزمان*، ج ۱۲، ص ۲۲۹؛ محمود خلیل، *آل ابراهیم العیونیین*، ص ۵۰.

افتاده بود.<sup>۱</sup> با ضعف قرامطه برخی از قبایل بحرین نیز از حمایت آنها دست برداشتند و به کمک عبدالله عیونی - که در تلاش شبانه‌روزی برای برانداختن قرامطه بود - آمدند و رهبری او را در مقابله با قرامطه پذیرفتند.<sup>۲</sup>

سه حرکت پیش گفته - که در اوال، قطیف و در نهایت احساء علیه قرامطه به راه افتاد - همه از جانب مردان قبیله عبدالقیس بود و در آخرین آنها، عبد الله بن علی عیونی موفق شد با حمایت خلیفه عباسی - که سربازان سلجوقی را به کمک وی فرستاد - ،<sup>۳</sup> پایتخت قرامطه را تصرف کند و تشکیل حکومت دهد و بدین ترتیب، همه آنچه در متون جغرافیایی اسلامی به عنوان سرزمین بحرین شناخته شده است (یعنی «المنطقه الشرقيه» عربستان، کویت، قطر، امارات متحده عربی و بحرین امروزی) برای ۱۷۰ سال در قلمرو عیونیان درآمد.

### تشیع دولت عیونی

می‌دانیم قبیله عبدالقیس یک قوم و قبیله کاملاً شیعی هستند<sup>۴</sup> و همچنین مردم منطقه بحرین نیز به تشیع مشهور بوده‌اند،<sup>۵</sup> در نتیجه دولت عیونی (که برآمده از یک قبیله شیعی مذهب است) و همچنین مذهب رسمی بحرین در دوره حکومت عیونیان (در یک منطقه شیعی مذهب) تابع تشیع قوم و منطقه است. اما از آنجا که برخی از نویسندگان، شبهاتی را در این مورد طرح کرده‌اند،<sup>۶</sup> در این مقاله تشیع دولت یا مذهب رسمی دولت عیونی را از زاویه اسناد و شواهد تمدنی بررسی می‌کنیم.

#### ۱. شواهد نام‌گذاری‌ها

نام‌گذاری‌ها در میان اقوام و ملت‌ها به وضوح نشانه انس و علاقه مردم به یک فرهنگ و عقیده به‌شمار می‌رود.<sup>۷</sup>

۱. سبط ابن جوزی، *مرآة الزمان*، ج ۱۳، ص ۳۶.

۲. ابن مقرب، *دیوان ابن المقرب و شرحه*، ج ۲، ص ۹۰۶ - ۹۰۵.

۳. جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۳۷.

۴. ر. ک: مهدی سلیمانی آشتیانی و نعمت الله صفری فروشانی، «نقش قبیله شیعی بنوعبدالقیس در حیات فرهنگی و اجتماعی کوفه در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۶۷، ص ۸۱ - ۵۱.

۵. ر. ک: مهدی سلیمانی آشتیانی، «تشیع و پیشینه آن در بحرین»، *شیعه‌شناسی*، ش ۴۲، ص ۸۱.

۶. المدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۸۲ - ۱۸۰.

۷. در این موضوع، ر. ک: پاکتچی، *روش تحقیق*، ص ۱۶۹ (نام‌شناسی) و ۱۷۳ (نام‌ها و گرایش‌ها)؛ پاکتچی، *روش‌شناسی تاریخ*، ص ۵۹؛ شیعی کدکنی، «جامعه‌شناسی نام‌های تاریخ اسلام ذهبی» در گاه: <http://www.ical.ir/>. همچنین تکرار نام‌های حسن، زید و یحیی در میان امیران و بزرگان زیدی (از جمله در: نیشابور، طبرستان و یمن) از همین مقوله است.

در میان امیران عیونی (ر. ک: پیوست شماره ۶) هیچ نامی که نشانه و نماد علاقه آنها به خلفا و حکایت دل بستگی آنها به مکتب خلفا بوده باشد، وجود ندارد و بالعکس نام «علی» پر بسامدترین نام میان آنهاست.<sup>۱</sup> این موضوع اگرچه شاید به تنهایی دلیل بر تشیع آنها نباشد؛ ولی می‌تواند شاهد و قرینه‌ای قوی برای تشیع آنها به حساب آید.

## ۲. کتیبه مناره مسجد الخمیس

از بناهای تاریخی مربوط به قرون چهارم و پنجم در اوایل و در بخش «بلاد قدیم» آن و در منطقه‌ای که امروزه «عین بو زیدان» نامیده می‌شود، مسجد الخمیس یا همان مشهد ذوالمنارتین است. این مسجد را ابوالبهلول عوام بن محمد (۴۵۸ - ۴۶۰ ق) بنا و یا ترمیم نموده است. در سال ۵۱۸ ق، حاکم عیونی قطیف و اوایل، ابوسنان محمد بن فضل بن عبدالله عیونی (۵۳۸ - ۵۲۰) - نواده مؤسس دولت عیونی - امر به تجدید بنا یا توسعه این مسجد داده است و به فرمان او، کتیبه‌ای سنگی طراحی و در بالای مناره مسجد، کار گذاشته شده است که حاوی جملات مهم عقیدتی و مذهبی است. بخشی از این کتیبه چنین است:

- بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله محمد رسول الله.

- علي ولي الله هذا من فضل ربي لبيوني أشكر ام اكفر.

- مما امر ببنائه معلي بن الحسن ....

- محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين و علي و محمد و جعفر و موسى.

- و علي و محمد و علي و الحسن و الحجة المنتظر صلوات الله عليهم ابتغاء وجه الله.

- في ايام الملك العادل عبدالله محمد بن الفضل بن عبدالله سنة ثمان عشرة وخمسائة.<sup>۲</sup>

کتیبه‌ها، خصوصاً اگر از تصرفات محتوایی آیندگان مصون مانده باشند - که در نمونه مورد بحث، چنین است - از معتبرترین اسناد تاریخی شمرده می‌شوند.<sup>۳</sup>

مسلم است که حاکم اوایل در ۵۱۸ ق، همان محمد بن فضل عیونی است<sup>۴</sup> و این سند کهن می‌رساند که دولت عیونی، از همان آغاز تأسیس، یک دولت کاملاً شیعی و امامی مذهب بوده است

۱. جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۳۷.

۲. ر. ک: روزنامه الوسط، چاپ منامه، شماره ۲۳۵۱، پنج شنبه ۱۲ فوریه ۲۰۰۹ م / ۱۶ صفر ۱۴۳۰ ق. (نقل از: الجنبی،

*شرح دیوان ابن المقرب*، ج ۷، ص ۲۱۷)

۳. ساماران، *روش‌های پژوهش در تاریخ*، ج ۲، ص ۱۳

۴. ر. ک: پیوست شماره ۶.



که تصریح به اسامی امامان دوازده گانه، امامی بودن این تشیع را می‌رساند و با وجود سندی با این درجه از اعتبار، نیازی به قرینه یا دلیل دیگری نیست.

### ۳. سکه‌های عصر عیونی با متن صریح شیعی

جایگاه سکه‌های دوره‌های تاریخی، از دیرباز، برای روشن کردن زوایای تاریک تاریخ یک قوم و ملت و سیر تطور یک دولت برای اهل تاریخ و خصوصاً در مطالعات تمدنی، همیشه برجسته بوده است و همین جایگاه باعث شده تا سکه‌ها یکی از مهم‌ترین مصادر تاریخی یک دولت و ضرب سکه از شئون حاکمیت و امتیاز خاص سلطان باشد.<sup>۱</sup> شکل، نشانه‌ها، متن و جنس یک سکه حکایت‌گر سیاست، قدرت، سطح دانش و فناوری و نیز عقیده یک ملت و دولت است.<sup>۲</sup> از همین نظر و با توجه به کمبود شدید منابع تاریخی برای دولت عیونی، سکه‌های به جای مانده از این دولت اهمیت زیادی دارد.

با انتقال مرکز سیاسی اسلامی از مدینه به دمشق و سپس بغداد، نگاه مورخان عموماً یا غالباً معطوف به بغداد و گزارش اخبار و حوادث آنجا شد و بیشتر بلاد اسلامی و مخصوصاً جزیره عربی از وجود تاریخ مفصل و مدون کمتری برخوردار است. مخصوصاً که برخی از مناطق این شبه جزیره گاهی دارای دولت‌های مستقل بود و مورد بی‌توجهی و دشمنی دستگاه خلافت و نویسندگان و مورخان رسمی قرار گرفت. حجاز، یمن و بحرین، مشمول این موضوع شد و به همین جهت وجود سکه مسکوک و مضروب در این مناطق جزء نوادر منابع تاریخی برای ماست که خوشبختانه امروز در دست داریم.

براساس حفاری‌هایی که در دهه‌های اخیر در شرق جزیره العرب صورت گرفته است، آثاری از سکه‌های یونانی (از جمله سکه‌های اسکندر مقدونی) و نیز سکه‌های ادوار سلوکی، ساسانی و اسلامی به دست آمده است. می‌دانیم از عصر اموی که عبدالملک بن مروان سکه‌های عربی - اسلامی را ضرب کرد، این سکه‌ها که از جنس طلا، نقره و برنز بود در ممالک اسلامی رواج یافت؛ اما در بحرین در عصر اموی و عباسی به نام خلفای مختلف این دوره‌ها سکه‌هایی ضرب شده است. مانند آنچه در قطیف کشف شده که روی آن عبارت (بسم الله ضرب هذا الفلوس بالبحرین سنة اربعین و مئة) حک شده و یا آنچه در دوره قرامطه ضرب شده است و شبیه همین عبارت بر آنها دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

در کتاب نایف عبدالله الشرعان به نام «*نقود الدولة العیونیه*» گزارشی از حدود ۵۰ سکه به‌دست

۱. ر. ک: مقریزی، *النقود الاسلامیه*، ص ۱۱؛ ساماران، *روش‌های پژوهش در تاریخ*، ج ۱، ص ۴۲۲ - ۴۱۳.

۲. شاهمرادی، *تاریخ تشیع در ایران بر مبنای سکه‌شناسی*، ص ۳۸ - ۲۹؛ پاکتچی، *روش‌شناسی تاریخ*، ص ۶۹.

۳. الشرعان، *نقود الدولة العیونیه*، ص ۷۷ - ۷۵.

آمده از بحرین در دوره یکی از حاکمان عیونی درج شده است. جالب است که این کتاب به وسیله مرکز الملک فیصل - که مؤسسه‌ای سعودی و در ریاض واقع است به چاپ رسیده است، درحالی که - همچنان که پیش‌تر گفته شد - برخی نویسندگان سعودی اصرار دارند که تشیع احساء و قطیف یا همان بحرین قدیم را یک امر جدید و تحت تاثیر دولت صفوی بدانند تا یک موضوع با سابقه کهن.

یک طرف این سکه‌ها - که آن را می‌توان روی سکه نام گذاری نمود -، در وسط دایره، عبارات «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علي ولي الله» و در اطراف دایره نیز عبارت «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» حک شده است.

در روی دیگر سکه - که آن را پشت سکه می‌توان گفت - در وسط، عبارت «جمال الدنیا والدین الحسن بن عبدالله بن علی» درج شده است و در اطراف این مرکز نیز به تفاوت محل ضرب، عبارتی شبیه این: «بسم الله ضرب هذا الدرهم بارض الخبط سنة اربع واربعین و خمس مائة» درج است.<sup>۱</sup> پشت این پنجاه قطعه سکه، به تفاوت محل ضرب، نام «ارض الخبط»، «جزیره اوال» و یا «الخط» حک شده است و در برخی نیز نام محل، واضح نیست.

تاریخ ضرب این سکه‌ها در موارد قابل خواندن، سال‌های ۵۴۴، ۵۴۹ و ۵۴۷ ق است و تاریخ بعضی از آنها نیز ناخوانا است.<sup>۲</sup>

این سکه‌ها مربوط به دوره حکومت حسن بن عبد الله عیونی (۵۳۹ - ۵۴۹ ق) است. وی بر قطیف و اوال حکومت کرد و درگیری زیادی با حاکمان کیش داشت.<sup>۳</sup> این سکه‌ها، سندی معتبر برای تشیع رسمی دولت عیونی‌اند و با توجه به اینکه سکه از شئون حاکمیت و سندی رسمی و مصون از تصرف و تشکیک است، تردیدی در تعلق خاطر عیونیان به تشیع و رسمیت داشتن تشیع به‌عنوان مذهب دولت عیونی باقی نمی‌ماند؛ چراکه اگر حاکم عیونی می‌خواست جلب نظر خلیفه عباسی معاصرش المقتفی لامرالله (م. ۵۵۵ - ۵۳۰ ق) را بنماید، نباید مخالفت مذهبی خود را چنین به رخ می‌کشید و بلکه لازم بود مثل دولت‌های اهل سنت دیگر در قلمرو عباسی، از نقوش سکه‌های آنها استفاده کند.

#### ۴. شاعر شیعی در دربار شیعی

عرب‌ها شعر را «دیوان العرب» می‌دانسته‌اند.<sup>۴</sup> این، نکته‌ای است که مورخان نیز بر آن، مهر تأیید زده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. برای تصاویر این سکه‌ها، ر. ک: پیوست شماره‌های ۷ و ۸.

۲. الشرعان، *نقود الدولة العیونیه*، ص ۷۷ - ۷۵.

۳. محمود خلیل، *آل ابراهیم العیونیین*، ص ۱۴۹.

۴. ر. ک: سیوطی، *المنزه*، ج ۲، ص ۲۳۵.

۵. حتی، *تاریخ عرب*، ص ۱۱۹؛ زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۵۲۴.

جمال‌الدین ابوعبدالله علی بن مقرب عیونی بحرانی (۵۷۲ - ح ۶۳۰) شاعر برجسته قبیله عیون و دربار عیونیان و خویشاوند حاکمان عیونی است. از ابن مقرب، دیوان شعری به جای مانده که در واقع و البته عامدانه، دربردارنده تاریخ سیاسی و اجتماعی دولت عیونی و پر از نکات تاریخی ارزشمند و سروده‌های رسمی، مناسبتی و تقدیمی (اهدا شده به صاحبان مناصب حکومتی) است.<sup>۱</sup>

برخی قرائن تشیع ابن مقرب عبارت است از:

اول. تشیع قبیله او عبد القیس که مشهور و از مسلّمات تاریخی است<sup>۲</sup> ما را از استدلال جدید برای تشیع ابن مقرب بی‌نیاز می‌کند. جایگاه شاعر در قبیله و موقعیت او به‌عنوان گزارشگر، مورخ و سخنگوی قبیله، از مسلّمات تاریخی است.<sup>۳</sup> پس جایی برای این احتمال نمی‌ماند که بین دین و مذهب شاعر یک قبیله با دین و مذهب رایج مردمان آن قبیله اختلاف و تنافی باشد.

دوم. اشعار به جای مانده از وی که دارای نگاه‌های عقیدتی باشد بسیار است، مانند: قصیده «همزیه غدیریه» که چنان که شارح ناشناس دیوان - که ممکن است خود شاعر باشد<sup>۴</sup> - گفته است در روز عید غدیر سروده شده است و واضح است که تکریم عید غدیر از مختصات شیعه است. آغاز آن چنین است:

هذا الغمیم فناد فی      وقف الرکاب هنیئه بفنائہ<sup>۵</sup>

این همان شیر غلیظ است. پس، از کاروان بخواه تا در حضرتش اندکی توقف کند. و قصیده دیگری که شاعر ضمن مدح قبیله عبدالقیس می‌گوید:

وهم نصرُوا بعد النبى وصیة      ولا یستوی نصر لَدیہ و خذلان<sup>۶</sup>

ایشان (قبیله عبدالقیس) کسانی هستند که بعد از پیامبر، وصیش را یاری کردند و کمک و

۱. برای ارزش تاریخی دیوان ابن مقرب برای سلسله عیونی، ر. ک: همه آثاری که در مورد ابن مقرب در این نوشتار ذکر شد و همچنین: مرهون، عبدالجلیل، «ابن المقرب العیونی و شعره التاریخی» الواحه، الربع الأول ۱۴۲۰ ق - العدد ۱۴ (۸ صفحه: از ۱۳۱ تا ۱۳۸)؛ شوقی ضیف، «سجل شعری تاریخی فرید»، *مجلة المجمع اللغة العربیة*، ذوالقعدة ۱۳۹۶ ق، الجزء ۳۸ (۱۸ صفحه: از ۲۴ تا ۴۱)؛ عبدالملک عبدالرحیم، «الادب مصدرًا للتاریخ»، *مجلة الفیصل*، الرياض، العدد ۲۰۰، ۱۹۹۳ ق.

۲. ک: مهدی مهریزی و مهدی سلیمانی آشتیانی، «تشیع و پیشینه آن در بحرین»، *شیعه‌شناسی*، ش ۴۲.

۳. ر. ک: حتی، *تاریخ عرب*، ص ۱۲۰؛ زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۵۲۳ - ۵۲۶.

۴. الجنی، *شرح دیوان ابن المقرب*، ج ۷، ص ۵۶۹.

۵. همان، ج ۴، ص ۹۶.

۶. همان، ج ۵، ص ۲۵۷۲.

بی توجهی نزد پیامبر یکسان نیست. در جای دیگر می گوید:

فقد كان مني مثل ما قال قلته و ما اعتضت منه غير عض الرّواحِبِ<sup>۱</sup>

حال من مثل حال آن کسی است که گفت «لغزشی بود!» راهی نیست برایم جز گزیدن انگشت از حسرت.

که طعنه به قول مشهوری<sup>۲</sup> از خلیفه دوم درباره واقعه سقیفه است.

او در قصیده‌ای که در آن با یکی از دوستان خود مزاح کرده است، اشاره به حدیث تابوت<sup>۳</sup> در جهنم می کند.<sup>۴</sup> ابن حجر در «*لسان المیزان*» در ترجمه احمد بن الطیب السرخسی گفته است: «ان حدیث التابوت هذا من وضع الرّوافض».<sup>۵</sup>

سوم. در رساله «*مخطوطة فی التراجم*» از قرن دهم که مؤلف آن مجهول است و شرح مختصری درباره امیران عیونی در آن آمده است، به صراحت، ابن مقرب از رجال شیعی مذهب قلمداد شده است.<sup>۶</sup> چهارم. ابن مقرب در قصیده‌ای دیگر - که در مجموعه مخطوط شیخ لطف الله بن علی بحرانی از عالمان قرن سیزدهم هجری از او نقل شده - نیز، در مدح اهل بیت، به صراحت، تشیع قوم و قبیله حاکم خود را ذکر و به آن، افتخار می کند.<sup>۷</sup>

با آنچه از شاعران دولتی، رسمی و درباری در همه ادوار و خصوصاً این دوره می دانیم،<sup>۸</sup> حضور چنین شاعری با اعتقاد شیعی در دربار عیونیان، توافق اعتقادی آنها را می رساند.

## قرائنی در حاشیه

### ۱. روابط عیونیان با فاطمیان مصر

شواهدی برای نفوذ فاطمیان مصر در دولت عیونی لااقل در اوایل دوره آنها وجود دارد، مثل نامه‌هایی

۱. همان، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲. ابن حجر، *فتح الباری*، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۳. ر. ک: قاسم جوادی، «کتاب سلیم بن قیس»، *فصلنامه علوم حدیث*، ش ۳۵ و ۳۶؛ صدوق، *الخصال*، ص ۴۸۵.

۴. ر. ک: الجنبی، *شرح دیوان*، ج ۵ ص ۲۵۷۲.

۵. ابن حجر، *لسان المیزان*، ص ۴۶.

۶. محمود خلیل، *آل ابراهیم العیونیین*، ص ۳۰۶.

۷. ر. ک: عدنان العوامی، «الجديد فی قضیه ابن المقرب العیونی»، *مجلة الواحة*، ش ۱۰ - ۱۱، الربع الثاني و الثالث ۱۴۱۸، ص ۱۶ - ۳.

۸. ر. ک: حتّی، *تاریخ عرب*، ص ۵۴۰؛ زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۵۲۹ - ۵۲۶.

که المستنصر فاطمی (۴۲۷ - ۴۸۷ ق) به داعیان خود در یمن نوشته<sup>۱</sup> و نامه‌ای که به ابوالحسین علی بن محمد صلیحی حاکم یمن<sup>۲</sup> نگاشته و او را به تأیید امیر عبدالله بن علی علوی امیر احساء، امر کرده است. این نامه در ربیع الآخر سال ۴۶۹ نوشته شده که دوران حکومت عیونی‌ها است.<sup>۳</sup> البته تشکیک در اینکه مراد از عبدالله بن علی علوی امیر احساء، همان عبدالله بن علی عیونی باشد و یا اینکه روابط بین فاطمیان و صلیحی‌ها از سویی و عیونی‌ها از سویی دیگر نمی‌تواند به خاطر مذهب باشد و بلکه صرفاً سیاسی است،<sup>۴</sup> چندان مقبول نیست؛ چراکه تاریخ این نامه (۴۶۹ ق) کاملاً با آغاز قدرت عیونیان مطابق است و در بحرین در این تاریخ، کس دیگری را به نام عبدالله بن علی - که امیر احساء باشد - نمی‌شناسیم، و ثانیاً این که در نامه می‌گوید: «این علوی موفق شده فتنه خوارج را از احساء بر کند» معلوم می‌کند که منظور از خوارج، قرامطه‌اند و تیرگی روابط مستنصر فاطمی با قرامطه نیز در تاریخ ثبت است.<sup>۵</sup> به هر حال برخی از مورخان اهل سنت نوشته‌اند که عیونیان خطبه به نام خلیفه فاطمی خواندند و نام القائم بامر الله خلیفه عباسی را از خطبه انداختند<sup>۶</sup> و همین اختلاف مذهبی باعث نزاع بین سلجوقیان سرسپرده بغداد و عیونیان شد؛<sup>۷</sup> چراکه این خطبه خواندن به نام فاطمیان به منزله نقض عهد با سلجوقیان سنی مذهب گماشته عباسیان شمرده می‌شد، به خصوص که ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵ - ۴۸۵ ق) سنی متعصب و دشمن اسماعیلیه بود.<sup>۸</sup>

۱. ر. ک: ماجد، *السجلات المستنصرية*، ص ۱۸۰ (سند شماره ۵۵).

۲. از ملوک صلیحی یمن که بعد از پدرش در ۴۵۹ ق به قدرت رسید. (ر. ک: مدانی، *الصلیحیون*، ص ۲۱۲) و درگیری و اختلاف شدید بین صلیحی‌ها و قرامطه نیز در جای خود بحث شده است. (ر. ک: زکار، *الجامع لخبار القرامطة*، ص ۴۳۱ - ۴۱۱)

۳. بخشی از متن این نامه چنین است: «فإن امیر المؤمنین باسط یدک فی جمیهم لتثبیت من ترتضی طریقتہ وتستبدل من تری الصواب إلی الاستبدال به وامیر المؤمنین یشعرک ما طالع به حضره الامیر مستخلص الدولة العلویة وعدتها: عبدالله بن علی العلوی المستقر بالاحساء وبذله من الخدمة والطاعة وأنه اعتمد اقامة الدعوة العلویة وناضل كافة الاعداء من الخوارج والأضداد ... وفاقضی ذلک ان جعل امیر المؤمنین ولاية تلك الأعمال جمیعها: دانیها وقاصیها، مطیعها وعاصیها، مردوده إلی نظرك السدید وتدبیرك الرشید وأن یكون الامیر مستخلص الدولة العلویة وعدتها: عبدالله بن علی العلوی نائباً عنك فیها ومتصرفاً علی ما رآه من سیاستك لها». (ر. ک:

ماجد، *السجلات المستنصرية*، ص ۱۷۹ - ۱۷۶، سند شماره ۵۴)

۴. المدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۸۱.

۵. ر. ک: ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ج ۴، ص ۱۰۷ - ۱۰۳.

۶. همدانی، *جامع التواریخ*، ص ۷۰ - ۷۳. این گزارش رشیدالدین فضل الله همدانی، مؤیدی دارد که در سطور آینده خواهد آمد.

۷. محمود خلیل، *آل ابراهیم العیونیین فی بلاد البحرین*، ص ۷۷.

۸. مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۵۲۰.

از سوی می‌دانیم فاطمیان در عهد مستنصر فاطمی، با کمک ارسالان بساسیری در بغداد و ملوک بنی‌عقیل در جنوب عراق و حسن صباغ در ایران و صلحی‌ها در یمن، قدرت و دعوت خود را توسعه دادند و حتی در زمان غلبه بساسیری بر بغداد، خطبه به نام فاطمیان در بغداد خوانده شد. در چنین موقعیتی می‌توان حدس زد مستنصر فاطمی در صدد توسعه دعوت خود در بحرین بوده و سفارش عبدالله بن علی عیونی را - که او علوی‌اش خوانده<sup>۱</sup> - به امیر صلیحی نموده است و درباره وی تصریح می‌کند که: «اصاب بالدعوة [ / أجاب الدعوة ] المستنصرية في أرجائها»؛ یعنی اجازه دعوت فاطمی را در سرزمین‌های تحت حکومتش داده است و این، مؤید گزارش رشیدالدین فضل‌الله همدانی است - که گذشت - .

## ۲. روابط عیونیان با ناصر عباسی

روابط عیونیان که از همان آغاز با بغداد به سردی و جنگ گراییده بود<sup>۲</sup> در زمان خلیفه عباسی الناصر لدین الله (م. ۶۲۲ - ۵۷۵ ق) گرم شد. می‌دانیم دلایل زیادی بر تشیع یا گرایش شیعیانه ناصر عباسی وجود دارد.<sup>۳</sup> بر این پایه، معاهدات بین بغداد و امیر عمادالدین محمد بن احمد بن محمد عیونی (۵۸۷ - ۶۰۵ ق) قرینه خوبی برای تشیع دولت عیونیان (در حاشیه شواهد پیش‌گفته) است. خلیفه عباسی، امیر عیونی را برای سرکوب برخی قبایل عرب ساکن بحرین و جنوب عراق که مزاحمت برای قافله‌ها داشتند، تشویق کرد. ابن‌مقرب در مورد روابط امیر محمد بن احمد عیونی با خلیفه عباسی الناصر نوشته است:

مِنَّا الَّذِي كَلَّمَ عَامَ بِالْعِرَاقِ لَهُ رَسْمٌ سَنِيٌّ إِلَى أَنْ ضُمَّنَ الرَّجْمَا

از خاندان ما است کسی که سالانه مقرری نیکویی از سوی خلیفه بغداد دارد.

مِنَّا الَّذِي اصْحَبَ الْمُجْتَازَ مِنْ حَلَبٍ إِلَى الْعِرَاقِ إِلَى نَجْدٍ إِلَى أَدَمَا<sup>۴</sup>

۱. شاید «علوی» کنایه از این باشد که شیعی است و با ما مشترکات زیادی دارد و دشمنی نمی‌ورزد، اگرچه «فاطمی» و اسماعیلی نیست.

۲. الحلو، دیوان ابن‌المقرب، ص ۴۶۹ و ۵۳۸.

۳. برای بحث تشیع ناصر عباسی (ر. ک: مرضیه سادات، موحد ابطحی، نقش شیعیان در ساختار حکومت عباسیان، ص ۱۶۴؛ یعقوبی، محمدطاهر، «تشیع خلیفه‌الناصر لدین الله»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۹، بهار ۸۵، در این کتاب و مقاله آراء مورخینی همچون فخری، سیوطی، ذهبی، ابن‌عماد حنبلی و ... که معتقد به تشیع ناصر هستند و همچنین دلایل دیگر بر تشیع وی جمع و بررسی شده است.

۴. ابن‌المقرب، دیوان ابن‌المقرب، ص ۵۴۸.

از خاندان ما است کسی (امیر محمد بن ابی‌الحسن احمد) که به واسطه امنیت حاصله از دولتش مسافر از حلب تا عراق و تا نجد و شام با آسودگی سفر می‌کند. گفته‌اند الناصر عباسی، محمد بن احمد را احترام می‌کرد و هر سال از دیوان «الزام» بغداد، هزار و دویست لباس ابریشم مصری و خوارزمی، و از بصره نیز هر سال هزار و پانصد بار خرما و جو برای وی مقرر کرده بود.<sup>۱</sup>

در دوره همین امیر محمد بن احمد عیونی، برخی قبایل مانند بنی‌ربیع به رهبری دهمش بن آجود و دیگران و برخی از بنی‌زبید به اراضی بنی‌عقیل در جنوب عراق و منطقه فرات حمله کرده بودند. قبیله بنی‌عقیل، هم‌پیمان با امیر عیونی و تحت حمایت وی بودند.<sup>۲</sup> همچنین حجاج از غارت قافله‌ها توسط بنی‌طی شکایت داشتند. خلیفه عباسی پیکی را به احساء می‌فرستد و از دولت عیونی می‌خواهد این قبایل را سرکوب کند. در نتیجه دولت عیونی با لشکری بزرگ به همکاری بنی‌عقیل به جنگ این قبایل رفت و تا نزدیکی کوفه آنها را دنبال کرد و «دهمش» زعیم بنی‌ربیع به حرم امام علی علیه السلام پناه برد. امیر عیونی او را محاصره و دستگیر کرد و نزد خلیفه بغداد فرستاد و بعد از تعهد گرفتن مبنی بر عدم تعرض به قافله‌ها و حجاج آزاد شد.<sup>۳</sup>

### ۳. وجود بستر اجتماعی شیعی برای دولت‌های بعد از عیونی

دولت عصفوری (۶۴۲ - ۷۰۰ ق) که بعد از عیونیان زمام امور را در بحرین به دست گرفت، یک دولت کاملاً شیعی است<sup>۴</sup> و دولت جروانی (۷۰۰ - ۸۲۰ ق) که در قطیف به حکومت رسید، نیز شیعه است و این تشیع به صورتی است که ابن‌حجر از آنها و قبیله‌شان تعبیر به «هم من کبار الروافض» می‌کند.<sup>۵</sup> تشیع این دولت‌های بعد از عیونی مؤید وجود بستر و زمینه قوی (تشیع ریشه دار) در بحرین است. به عبارتی این دولت‌های شیعه نمی‌توانند در یک بستر غیرشیعی پدید آمده باشند.

### نتیجه

به دلیل فقر گزارش‌های تاریخی درباره مذهب دولت عیونی، (۴۶۹ - ۶۴۷ ق) در شناخت مذهب

۱. المدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۳۱؛ آل‌عبدالقادر، *تحفة المستفید*، ص ۱۰۴؛ الشرعان، *نقود الدولة العیونیه*، ص ۷۱ - ۷۰. هر سه به نقل از: ابن‌المقرب، *دیوان*، نسخه خطی پرنستون، ص ۲۳۷.  
۲. ابن‌مقرب، *دیوان*، پرنستون، ص ۲۳۶؛ المدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۳۱.  
۳. ابن‌المقرب، *دیوان ابن‌المقرب*، ص ۸، ۴۶۰ و ۴۶۱؛ المدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.  
۴. جعفریان، *اطلس تشیع*، ص ۴۳۷؛ عبداللطیف الناصر الحمیدان، «إمارة العصفوریین و دورها السیاسی فی تاریخ شرق الجزيرة العربیه»، *مجلة كلية الآداب*، ص ۱۴۰ - ۶۹.  
۵. ابن‌حجر، *الدرر الکامنة*، ج ۱، ص ۷۳.

آنان، دو گونه می‌توان استدلال نمود: ابتدا استناد به تشیع قبیله عبدالقیس و منطقه بحرین که دولت عیونی از آن برآمده است (و البته این مقاله، عهده‌دار آن نیست)، و دیگری استناد به شواهد تمدنی در این دولت.

تشیع عبدالقیس - که در نوشتار مورخان و شاعران، قطعی و مشهور بوده است - می‌رساند که دولت برآمده از این قبیله شیعی نیز باید شیعه مذهب باشد و کسانی که مذهب بحرین را در همین دوره نوشته‌اند و یا سفرنامه نویسانی که گزارش کرده‌اند، گفته‌اند مردم بحرین، شیعه‌اند و ظواهر تشیع بدون خوف، در میانشان طرح می‌شود. طبیعی است اگر دولت، مذهبی غیر از مذهب مردم داشت، لازم بود در کلام و گزارش این مورخان، تذکر داده می‌شد که نشده است.

اما در موضوع شواهد تمدنی تشیع دولت عیونی (موضوع این مقاله)، دلایل و مؤیدات موجود، نتیجه‌بخش است:

- نام‌های تمامی دولت مردان عیونی از اسامی مورد علاقه شیعیان بوده است.  
- کتیبه مناره مسجد الخمیس، که مربوط به سال ۵۱۸ ق و حکومت محمد بن فضل عیونی (۵۲۰ - ۵۳۸ ق) است، حاوی جملات مهم عقیدتی و مذهبی صریح بر مذهب امامیه است.

- سکه‌های مسکوک عهد عیونی، نوشته‌های صریح شیعی دارند.  
- وجود شاعر دربار عیونی، علی بن مقرَّب عیونی بحرانی (۵۷۲ - ۶۳۰ ق) که در دیوان مشهور و پُر نسخه‌اش اشعاری در مدح غدیر، بحث وصیت برای امام علی علیه السلام، اشاره به برخی مباحث در طعن خلفاء و ... دارد، شاهد فرهنگی - تمدنی مهمی برای تشیع عیونیان است.

- حمایت فاطمیان مصر از حاکمان اولیه عیونی و حذف نام خلیفه عباسی از خطبه‌ها و در عوض، گزارش‌هایی از خطبه خواندن عیونیان به نام خلیفه فاطمی، می‌تواند مؤیدی بر تشیع آنان باشد.

- ترمیم روابط تیره عیونیان با دستگاه خلافت عباسی در زمان خلیفه الناصر لدین‌الله (۵۷۵ - ۶۲۲ ق) - که مشهور به داشتن علائق شیعی بود - مؤید دیگری است.

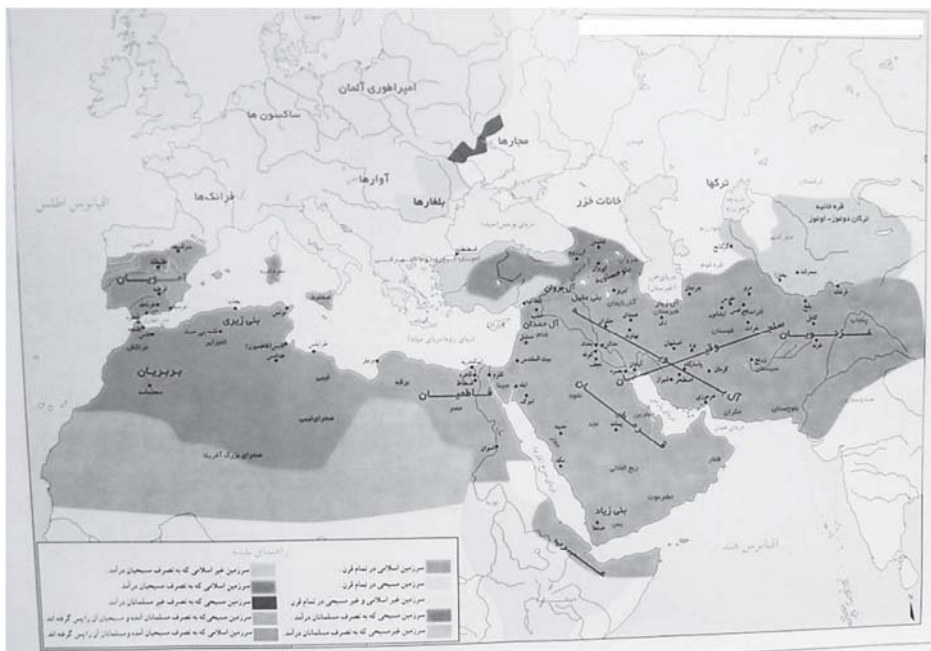
- دولت‌های بعد از عیونی که شیعه بوده‌اند نیز مؤید وجود فضا و بستری شیعی‌اند که از همان عهد عیونی باقی مانده است.

نتیجه اینکه: بدون نیاز به گزارش‌های تاریخی و صرفاً با اتکا به شواهد و مؤیدات تمدنی، می‌توان به رسمیت داشتن تشیع در دولت عیونی اطمینان پیدا نمود.



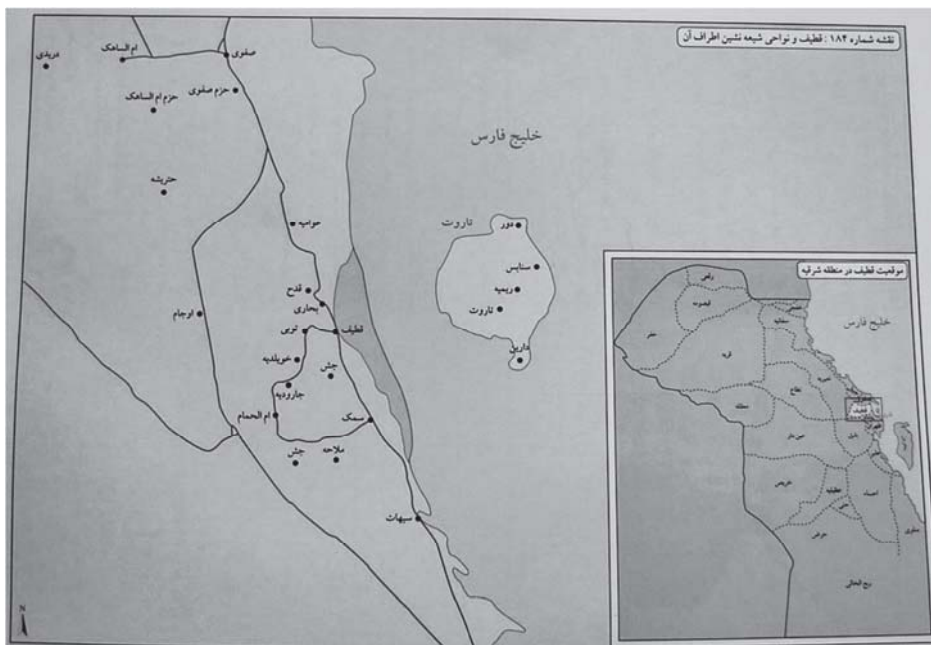
**پیوست (۱)**

**نقشه سیاسی - مذهبی جهان اسلام، مقارن به قدرت رسیدن عیونیان، برگرفته از «اطلس تشیع»**



**پیوست (۲)**

**نقشه قطیف و نواحی اطراف آن، برگرفته از «اطلس شیعه»**





### پیوست (۵)

بحرین امروزی (جزیره اوال تاریخی)، بحرین برگرفته از «اطلس شیعه»



### پیوست (۶)

اسامی حاکمان عیونانی (۴۶۹ - ۶۲۶ ق)

- عبدالله بن علی العیونی
- محمد بن الفضل بن عبدالله العیونی، اَبی سنان
- غریر بن الفضل
- علی بن عبدالله العیونی
- شکر بن علی بن عبدالله العیونی
- اَبو علی الحسن بن علی العیونی
- اَبو ماجد محمد بن منصور بن علی بن عبدالله العیونی
- قوام الدین غریر بن منصور بن علی بن عبدالله العیونی
- هجرس بن محمد بن الفضل
- شکر بن الحسن بن عبدالله العیونی
- علی بن الحسن
- الزیر بن الحسن بن عبدالله العیونی
- محمد بن اَحمد بن محمد بن الفضل
- الحسن بن شکر بن الحسن
- شکر بن منصور بن علی بن عبدالله العیونی
- عماد الدین محمد بن اَحمد بن محمد بن الفضل بن عبدالله العیونی
- محمد بن ماجد بن محمد بن علی بن عبد الله بن علی العیونی (در احسا)
- اَبوالقاسم مسعود ابن محمد بن علی ابن عبدالله بن علی العیونی (در احسا)
- اَبو منصور علی بن ماجد (در احسا)
- غریر بن الحسن بن شکر بن علی بن عبدالله بن علی العیونی (در قطیف و اوال)
- الفضل بن محمد ابن اَحمد بن محمد ابن الفضل بن عبدالله ابن علی العیونی (در قطیف و اوال)
- مقدم بن ماجد بن محمد (در قطیف و اوال)
- محمد بن مسعود بن اَحمد بن الفضل بن عبدالله العیونی
- منصور بن علی بن ماجد بن محمد بن علی ابن عبدالله العیونی
- محمد بن محمد بن ماجد بن محمد بن علی ابن عبدالله العیونی
- منصور بن علی بن ماجد بن محمد بن علی بن عبدالله العیونی
- محمد بن محمد بن ماجد بن محمد بن علی ابن عبدالله العیونی

تشیع دولت عیونی بحرین بر پایه برخی شواهد تمدنی □ ۶۹

تصاویری از سکه‌های برجای مانده از عصر عیونی و نقاشی از متن آنها، برگرفته از «نقود الدوله العیونیه»



شکل رقم (۸)



پیوست (۸)

تصاویری از سکه‌های برجای مانده از عصر عیونی و نقاشی از متن آنها، برگرفته از «نقود الدوله العیونیه»



شکل رقم (۱۰)



## منابع و مآخذ

١. آل عبدالقادر، محمد بن عبدالله الأنصاري الاحساوي، *تحفة المستفيد بتاريخ الأحساء في القديم و الجديد*، تعليقه و مقدمه حمد جاسر، رياض، مكتبة المعارف، ١٤٠٠ ق.
٢. ابن اثير، مبارك بن مبارك جَزْرِي، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، تحقيق طاهر أحمد الزاوي، قم، مؤسسه إسماعيليان، ج ٤، ١٣٦٧ ش.
٣. ابن المقرَّب، جمال الدين ابو عبدالله علي بن مقرَّب عبدى بحرانى، *ديوان ابن المقرَّب*، تحقيق عبدالفتاح محمد الحلو، احساء، مكتبة التعاون الثقافى، ١٩٨٨ م.
٤. ابن المقرَّب، جمال الدين ابو عبدالله علي بن مقرَّب عبدى بحرانى، *ديوان ابن المقرَّب*، چاپ سنگى هند، بمبئى، مطبعه دت پرساد، ١٣١٠ ق.
٥. ابن المقرَّب، جمال الدين ابو عبدالله علي بن مقرَّب عبدى بحرانى، *ديوان ابن المقرَّب و شرحه*، تحقيق احمد موسى الخطيب، رياض، دار المريخ، ١٩٨٤ م.
٦. ابن بطوطه، شمس الدين ابى عبدالله محمد بن عبدالله لواتى طنجى، *رحلة ابن بطوطه (تحفة النظار فى غرائب الامصار و عجائب الاسفار)*، رباط، اكاديمية المملكة المغربية، ١٤١٧ ق.
٧. ابن بطوطه، شمس الدين ابى عبدالله محمد بن عبدالله لواتى طنجى، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلى موحد، تهران، علمى و فرهنگى، ١٣٦١ ش.
٨. ابن حجر، احمد بن على العسقلانى، *فتح البارى (شرح صحيح البخارى)*، تحقيق فؤاد عبدالباقي عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، بيروت، دار الفكر، ١٣٧٩ ق.
٩. ابن حجر، احمد بن على العسقلانى، *الدرر الكامنة*، بيروت، دار الجيل، ١٤١٤ ق.
١٠. ابن حجر، احمد بن على العسقلانى، *لسان الميزان*، بيروت، مؤسسه الأعلمى، ١٩٧١ م.
١١. ابن حوقل، ابوالقاسم نصيبى، *صورة الأرض*، بيروت، دار صادر، بى تا.
١٢. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حصرمى، *تاريخ ابن خلدون*، بيروت، دار الفكر، الطبعة الثانية، ١٤٠٨ ق.
١٣. ابن رُسته، احمد بن عمر، *الأعلاق النفيسة*، ترجمه و تعليق حسين قرچانلو، تهران، امير كبير، ١٣٦٥ ش.
١٤. ابن سباهى زاده، محمد بن على البروسوى، *اوضح المسالك الى معرفه البلدان و الممالك*، بيروت، دار الغرب، ١٤٢٧ ق.

تشيع دولت عيوني بحرين بر پایه برخی شواهد تمدنی □ ٧١

١٥. ابن قتيبه، أبو محمد عبد الله بن مسلم دينوري، **المعارف**، تحقيق ثروت عكاشة، القاهرة، دار المعارف، الطبعة الثانية، ١٣٨٨ ق.
١٦. ابن مقرب، أبو عبد الله علي، **ديوان ابن مغرب**، مخطوط، دانشگاه پرينستون آمريكا، ش ٤٥.
١٧. ابن منظور، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت، دار صادر، الطبعة الأولى، ١٤١٠ ق.
١٨. ازهرى، أبو منصور محمد بن أحمد، **تهذيب اللغة**، تحقيق عبدالسلام هارون، دار القومية العربية، مصر ١٣٨٤ ق / ١٩٦٤ م.
١٩. اصطخرى، ابراهيم بن محمد فارسي، **المسالك و الممالك**، قاهره، الهيئة العامة لقصور الثقافة، ٢٠٠٤ م.
٢٠. بابتي، فوال، **معجم الشعراء الجاهليين**، بيروت، دار صادر، ١٩٩٨ م.
٢١. بغدادى، صفى الدين عبدالمؤمن بن عبدالحق، **مراصد الاطلاع على اسماء الامكنة و البقاع**، بيروت، دار الجيل، ١٤١٢ ق.
٢٢. بكرى، عبدالله بن عبدالعزيز، **المسالك و الممالك**، تحقيق عبدالله يوسف الغنيم، كويت، ذات السلاسل، ١٣٩٧ ق / ١٩٧٧ م.
٢٣. بكرى، عبدالله بن عبدالعزيز، **معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع**، تحقيق مصطفى السقا، بيروت، عالم الكتب، طبعة الثالثة، ١٤٠٣ ق.
٢٤. بلاذرى، أبو الحسن أحمد بن يحيى، **فتوح البلدان**، تحقيق عبدالله و عمر أنيس الطباع، بيروت، مؤسسه المعارف، الطبعة الأولى، ١٤٠٧ ق.
٢٥. پاكتنجى، احمد، **روش تحقيق**، تهران، دانشگاه امام صادق عليه السلام، ج ١، ١٣٩١ ش.
٢٦. پاكتنجى، احمد، **روش شناسى تاريخ**، تهران، دانشگاه امام صادق عليه السلام، ج ١، ١٣٩٧ ش.
٢٧. جعفریان، رسول، **اطلس شيعه**، تهران، سازمان جغرافيايى نيرهائى مسلح، ١٣٨٧.
٢٨. الجنبى، عبد الخالق بن عبد الجليل، **شرح ديوان ابن المقرب**، (دراسة تاريخية لسيرة الشاعر وشعره)، ج ٧، بيروت، دار المحجّة البيضاء، الطبعة الثانية، ٢٠١٢ م.
٢٩. جوادى، قاسم، «كتاب سليم بن قيس»، **فصلنامه علوم حديث**، ش ٣٥ و ٣٦، بهار و تابستان ١٣٨٤.
٣٠. جوهرى، إسماعيل بن حمّاد، **الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)**، تحقيق أحمد بن عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، الطبعة الرابعة، ١٤١٠ ق.

۷۲ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، بهار ۱۴۰۱، ش ۴۶

۳۱. جتّی، فیلیپ، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران، آگام، ۱۳۶۶ ش.
۳۲. الحمیدان، عبداللطیف ناصر، «امارة العصفوریین و دورها السیاسی فی تاریخ الشرقی الجزیره العربی»، *مجلة كلية الآداب*، جامعة البصرة، العدد ۱۶، السنة ۱۴، البصرة، ۱۹۸۰ م.
۳۳. جمیری، محمد بن عبدالمنعم، *الروض المعطار فی خبر الأقطار*، تحقیق إحسان عبّاس، بیروت، مؤسسه ناصرالثقافة، ۱۹۸۰ م.
۳۴. خلیل بن أحمد، أبو عبدالرحمن فراهیدی، *کتاب العین*، تحقیق الدكتور مهدی المخزومی و الدكتور إبراهيم السامرائی، مؤسسه دار الهجرة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. زبیدی، سید محمد بن محمد حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. زکار، سهیل، *الجامع الاخبار القرامطة فی الأحساء - الشام - العراق - الیمن*، دمشق، التنوین، ۲۰۰۷ م.
۳۷. زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمر، *الفائق فی غریب الحدیث*، تحقیق علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۹ ق، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
۳۹. ساماران، شارل (زیر نظر)، *روش های پژوهش در تاریخ*، ترجمه ابوالقاسم بیگانه و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ ش.
۴۰. سبط ابن جوزی، یوسف بن غزاوقلی، *مرآة الزمان فی تاریخ الأعیان*، بیروت، عالم الکتاب، ۱۹۶۷ م.
۴۱. سلیمانی آشتیانی، مهدی و نعمت الله صفری فروشانی، «نقش قبیلہ شیعی بنو عبدالقیس در حیات فرهنگی و اجتماعی کوفه در عصر حضور ائمه علیهم السلام»، *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام*، دوره ۱۷، شماره ۳، مسلسل ۶۷، پاییز ۱۳۹۵.
۴۲. سلیمانی آشتیانی، مهدی، «تشیع و پیشینه آن در بحرین»، *شیعه شناسی*، ش ۴۲، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۲.
۴۳. سمعانی، عبد الکریم، *الأنساب*، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت، دار الجنان، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ ق.



تشیع دولت عیونی بحرین بر پایه برخی شواهد تمدنی □ ۷۳

۴۴. سویدی بغدادی، عبدالله بن حسین، *النفحة المسكية في الرحلة المكية*، ابوظبی، المجمع الثقافي، ۱۴۲۴ ق.
۴۵. شاهمرادی، سید مسعود، *تاریخ تشیع در ایران بر مبنای سکه‌شناسی: از آغاز تا تأسیس صفویه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹.
۴۶. الشخص، هاشم محمد، *اعلام هجر من الماضين والمعاصرين*، بیروت، مؤسسه ام‌القری، ۱۴۱۶ ق.
۴۷. الشرعان، نایف بن عبدالله، *تقود الدولة العيونية في بلاد البحرين*، ریاض، مرکز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الاسلامية، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.
۴۸. شفيعی کدکنی، محمد رضا، «جامعه‌شناسی نام‌های تاریخ اسلام ذهبی» در درگاه: <http://www.ical.ir>
۴۹. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *الخصال*، تحقیق علی‌اکبر الغفاری، قم، منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مكتبة الصدوق، ۱۳۸۹ ق.
۵۰. عدنان العوامی، «الجدید فی قضیه ابن المقرب العیونی»، *مجلة الواحة*، ش ۱۰ و ۱۱، الربع الثاني و الثالث، ۱۴۱۸ ق.
۵۱. عمری، احمد بن یحیی بن فضل‌الله، *مسالك الابصار في ممالك الامصار*، ابوظبی، المجمع الثقافي، ۱۴۲۳ ق.
۵۲. قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، *سفرنامه ناصر خسرو*، تهران، زوار، ۱۳۸۱ ش.
۵۳. قرچانلو، حسین، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، تهران، سمت، ج ۱، ۱۳۸۰ ش.
۵۴. قزوینی، زکریا بن محمد، *آثار البلاد و اخبار العباد*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
۵۵. ماجد، عبدالمنعم، *السجلات المستنصرية*، قاهره، دار الفكر العربي، ۱۹۵۴ م.
۵۶. محمد محمود خلیل، *آل ابراهيم العيونيين في بلاد البحرين*، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ۲۰۰۷ م.
۵۷. المدیرس، عبدالرحمن بن مدیرس، *الدولة العيونية في البحرين ۴۶۹-۶۳۶ ق / ۱۰۷۶-۱۲۳۸ م*، الرياض، دار الملك عبدالعزيز، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.
۵۸. مستوفی، حمدالله قزوینی، *تاریخ گزیده*، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
۵۹. مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، القاهره، المكتبة التجارية الكبرى، الطبعة الرابعة، ۱۳۸۴ ق.

٧٤ □ فصلنامه تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي، دوره ١٣، بهار ١٤٠١، ش ٤٦

٦٠. مقدسي، محمد بن احمد، *احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم*، بيروت، دار صادر، ١٩٠٦ م.
٦١. مقرئزي، احمد بن علي، *النقود الاسلامية*، تحقيق: محمد بحر العلوم، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٩٦٧ م.
٦٢. موحد ابطحي، رضيه سادات و محسن الويري، «زمينهها و عوامل حضور شيعيان در ساختار خلافت عباسي»، *تاريخ اسلام*، سال دوازدهم، پاييز ١٣٩٠، ش ٤٧.
٦٣. مؤلف ناشناخته، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، هادي يوسف، قاهره، الدار الثقافية للنشر، ١٤٢٣ ق.
٦٤. نعيمى دمشقى، عبدالقادر بن محمد، *الدارس في تاريخ المدارس*، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ ق.
٦٥. همدانى، حسن بن فيض الله، *الصليحيون و الحركة الفاطمية في اليمن*، قاهره، دار المختار للطباعة والنشر، ١٩٥٦ م.
٦٦. همدانى، رشيدالدين فضل الله، *جامع التواريخ*، به تصحيح محمد روشن و مصطفى موسى، تهران، ميراث مکتوب، ١٣٧٣.
٦٧. ياقوت، أبو عبدالله ياقوت بن عبدالله حموى، *معجم البلدان*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، الطبعة الأولى، ١٣٩٩ ق.